

پیش‌خواب

نظری بر خاطرات و مشاهدات زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ محمد مؤمن قمی

یار دیرین و با وفای انقلاب اسلامی

■ **شاهد توحیدی**



اسلامی به شمار می‌رفت. به همین مناسبت در این مجال، کتاب خاطرات آن فرزانه فقید را به حضور نام معرفی می‌کنیم؛ این اثر که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر یافته است، در دیباچه خود صاحب خاطرات را به شرح ذیل معرفی می‌کند: «آیت‌الله محمد مؤمن قمی از شخصیت‌های برجسته حوزه علمیه قم است که با استفاده از موقعیت علمی شهر قم، توانست در درس علمای بزرگی همچون مرحوم علامه طباطبایی، شیخ مرتضی حائری، آیت‌الله گلپایگانی و امام خمینی شرکت کند و به‌ه‌های علمی وافر یبرد. دقت و تیزبینی در موضوعات علمی از ویژگی‌های بارز آیت‌الله مؤمن است. ایشان به‌رغم اشتغالات علمی و غوطه‌ور شدن در مباحثات علمی، فلسفی و اخلاقی از پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی نیز غافل نبود و با پیروی از حضرت امام در مبارزات مردمی نقش داشت. تبعید به شه‌داد که یکی از نقاط بد آب و هوای ایران است، گواه این ادعاست. بعد از پیروزی انقلاب نیز علاوه بر اهتمام به موضوعات علمی، تدریس و مباحثه در مسئولیت‌های مختلف انجام وظیفه کرد که عضویت در شورای نگهبان از فعالیت‌های برجسته ایشان است. از خصوصیات اخلاقی آیت‌الله مؤمن می‌توان به تواضع و فروتنی ایشان اشاره کرد که این امر سبب شد تا در بیان و انتشار خاطرات دچار تردید نشوند، اما با اصرار مرکز اسناد این امر تحقق یافت و آنچه می‌خوانید



▼ **آیت‌الله حاج شیخ محمد مؤمن قمی**

مجموعه خاطرات آقای مؤمن است که در مرکز اسناد قم ضبط شده و پس از بازنویسی و تدوین در سه فصل سامان یافته است. فصل اول به وضعیت خانواده، تحصیلات و اساتید می‌پردازد. در فصل دوم به خصوصیات علمی و اخلاقی استاد برجسته خود امام خمینی اشاره می‌کند و در فصل پایانی به پاره‌ای از موضوعات بعد از انقلاب مانند عضویت در شورای نگهبان و انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی می‌پردازد که از موضوعات مهم این فصل است.»

از فصول شاخص و مهم خاطرات حضرت آیت‌الله مؤمن، روایت‌هایی است که به مقطع حضور ایشان در شورای نگهبان مربوط می‌شود.ایشان در ولایتین فراز از خاطرات خویش در باب نحوه تعامل این شورا با دولت دهه اول انقلاب خاطرنشان می‌سازد: «واقعیت این است که شورای نگهبان هر گز به صورت خطی بر نخورد نکرده و تسلیم هیچ کس هم نشده است. حتی به خاطر ندارم چیزی برخلاف قانون از شورای نگهبان بروز کرده باشد. بنده خودم تا به حال یک رأی مصلحتی نداده‌ام و از اعضای کنگره هم امریکا هدف مهم امریکا تبدیل ارتش شاهنشاهی ایران به ابرقدرت نظامی منطقه در کمترین زمان ممکن بود.

■ **افزایش قیمت نفت و افزایش خرید سلاح**

برنامه‌های نظامی شاه‌موجب شد تا هزینه‌های نظامی ایران ناگهان به شکل حیرت‌انگیزی افزایش



موقعیت نظامی ایران پس از ادغام در دکت‌رین نظامی امریکا

ایران انبار اسلحه امریکا

■ **احمد رضا صد‌ری**

شرایط نظامی ایران پس از سال ۱۳۳۲، در زمره ر‌هیافت‌های شاخص برنامه‌ریزی امریکا برای ایران در این دوره تاریخی است. مقال‌ی که پیش‌روی دار‌ید، سعی کرده است تا ابعاد گوناگون این موضوع را تحلیل و تبیین کند. امید آن‌که تاریخ‌‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آ‌ید.

■ ■ ■

کودت‌ای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز‌ی بود بر تصمیم‌گیری‌های کلان دولت امریکا درباره ایران. یکی از ابعاد این تصمیمات، جنبه نظامی آن بود که عملاً ایران را در دکت‌رین نظامی امریکا ادغام کرد؛ ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت امریکا که این تصمیم در دوران وی عمل‌ی شد، اعلام کرده بود ایران باید به مهم‌ترین و بزرگ‌ترین قدرت منطقه‌ای تبدیل شود و مسئولیت‌های بزرگی را بر عهده بگیرد و امریکا هم در این راستا کمک‌های نظامی و اقتصادی مهمی را به ایران انجام خواهد داد؛ا‌ نظر امریکا، ایران به طور مستقیم در معرض خطر کمونیسم از سوی همسایه شمالی خود قرار داشت و ضرورت ایجاب می‌کرد از نظر دفاعی بسیار قوی شود.

■ **آغاز‌ی بر فروش سیل آس‌ای اسلحه‌های امریکایی به ایران**

دیدار نیکسون و کیسینجر در سال ۱۳۵۱ از ایران، اهمیت ایران برای امریکا را نشان می‌دهد. از این زمان است که امریکا فروش آخرین اسلحه‌های غیرهسته‌ای خود به ایران را آغاز می‌کند تا شاه هر چه زودتر به ژاندارم منطقه تبدیل شود و تقویت قدرت نظامی ایران را به شکل بی‌سابقه‌ای آغاز کند. در راستای این هدف بود که ایران از سال ۱۳۵۴ خرید اسلحه از امریکا را با بیش از عمل‌ی‌دollar آغاز کرد و تبدیل به اولین خریدار تسلیحات نظامی امریکا شد. شاه تصمیم داشت مدرن‌ترین زرادخانه غیرهسته‌ای جهان را بسازد و جدیدترین و پیچیده‌ترین تسلیحات را انبار کند و یکی از افتخاراتش این بود که «ها مهم‌ترین‌ها را می‌خریم!» امریکا هم قصد داشت شاه را تا ب‌ئ دندان مسلح کند تا تبدیل به بهترین مدافع منافع آن در ایران و خاورمیانه شود. به قول یکی از اعضای کنگره امریکا، هدف مهم امریکا تبدیل ارتش شاهنشاهی ایران به ابرقدرت نظامی منطقه در کمترین زمان ممکن بود.

■ **افزایش قیمت نفت و افزایش خرید سلاح**

برنامه‌های نظامی شاه‌موجب شد تا هزینه‌های نظامی ایران ناگهان به شکل حیرت‌انگیزی افزایش

پیدا کند، به طوری که بودجه نظامی کشور که در

سال ۱۳۴۹، ۸۸۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۳۵۶ به رقم ۹۴میلیارد دلار رسید، یعنی ۱۱۰۰درصد افزایش طی هفت سال. بیشترین بودجه نظامی ایران در سال ۱۳۵۳ و درصدافزایش آن به نسبت سال قبل ۱۴۱ درصد بود. افزایش بهای نفت در سال ۱۳۵۲ منجر به افزایش خرید تسلیحات بخش زیادی از دلارهای نفتی بازار جهانی اسلحه می‌شود. هزینه‌های نظامی ایران ۳۵درصد بودجه کلی کشور را به خود اختصاص می‌دادند و سهم مهمی از رانت‌های نفتی ایران را جذب می‌کردند و به این ترتیب ایران در زمینه صرف هزینه‌های نظامی در جهان رتبه می‌وزد و کسب می‌کند و در سال ۱۳۵۳ پس از شوروی، امریکا، آلمان، چین، فرانسه و انگلستان صاحب قوی‌ترین ارتش غیرهسته‌ای دنیا می‌شود.

■ **رود پهلوی دوم به معامله اسلحه با اروپایی‌ها!**

طرف معامله خرید اسلحه توسط ایران هر چند عمدتاً امریکاست، اما شاه از تسلیحات پیشرفته نظامی کشور‌های اروپایی نیز غفلت نمی‌وزد و در کنار خرید انواع هواپیماهای فانتون، بوئینگ و هلی کوپتر‌های بل و موشک‌های مختلف، تانک‌های انگلیسی چیفتن را هم در لیست خرید‌های خود قرار می‌دهد؛ از آلمان زیردریایی، از فرانسه موشک‌های مختلف، از ایتالیا هلی کوپتر و از انگلستان غیر از تانک، خودروی حمل‌کننده موشک را پیر را می‌خرد. با این همه تسلیحات امریکایی برای شاه از هر اسلحه‌ای جالب‌ترند و او نخستین کسی است که سفارش سلاح‌های پیشرفته هوایی و هواپیما ۴۱۴ را به امریکا می‌دهد. روزنامه لوموند فرانسه نوشت قیمت هر یک از این هواپیماها برای نیروی دریایی امریکا صد میلیون فرانک است که با شاه ۱۵۰ میلیون فرانک حساب کردند. شاه در سال ۱۳۵۴ سفارش خرید ۱۶۰ فروند جنگنده بمب‌افکن ۴۱۶ را به قیمت ۳/۸ میلیارد دلار، به شرکت نورث وپ امریکا داد. بخشی از این هزینه پیشاپیش به این شرکت پرداخت شد تا آخرین تحقیقاتش را برای تکمیل هواپیماهای جدید انجام بدهد. وزارت جنگ ایران طی نامه‌ای به وزارت دفاع امریکا، علاقه و آمادگی خود را برای خرید ۲۵۰ فروند هواپیما ۴۱۸ و تجهیزات پشتیبانی و قطعات یدکی مورد نیاز اعلام می‌کند. قرار بود این هواپیما در سال ۱۳۶۱ تولید و جانشین هواپیماهای ۴۱۴ شوند.

■ **حیرت عمومی از پیش‌پرداخت‌های شاه برای**



دیدار محمد ض‌ی‌پهلوی با ریچارد نیکسون در تاج سفید، در سفر به امریکا

تصمیم داشت با استفاده از کارشناسان سوئدی، به وضعیت این نیرو سر و سامانی بدهد. آنها طرحی ۱۰ساله را پیشنهاد دادند که به دلیل شروع جنگ جهانی دوم به نتیجه نرسید. پس از شروع این جنگ، کارشناسانی که قرار بود نیروی هوایی ارتش را سر و سامان بدهند، از ایران رفتند و کشور توسط نیروهای بیگانه اشغال شد. با ورود ایران به پیمان بغداد و گسترش روابط با امریکا پس از کودتای ۱۳۳۲، روند توسعه و بهینه‌سازی نیروی هوایی ایران شتاب پیدا کرد و بسیاری از خلبانان ایرانی در پایگاه‌های امریکا و آلمان دوره دیدند. طی برنامه پنجم توسعه، تعداد هواپیماهای جنگی و ترابری نیروی هوایی به دو برابر می‌رسد و هواپیماهای F۵، F۴ و F۱۴ در این نیرو به کار گرفته می‌شوند، به طوری که در سال ۱۳۵۷ نیروی هوایی ایران بیشترین تعداد هواپیماها را در خاورمیانه و خاور نزدیک دارد، از نظر استعداد شبیه نیروی هوایی انگلستان، از نظر قدرت شبیه نیروی هوایی فرانسه و آلمان و از نظر میزان تسلیحات از ترکیه و ایتالیا بالاتر است. به دلیل مرزهای گسترده آبی کشور، نیروی دریایی ایران نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. این اهمیت پس از خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس و ادغام ایران در چارچوب استراتژی کلی امریکا و به عهده گرفتن نقش ژاندارم منطقه، مضاعف می‌شود. نیروی دریایی ایران باید به دلیل ضرورت بازرسی و نظارت بر مرزهای جنوبی کشور در آب‌های خلیج فارس و نیز کنترل کامل تنگه استراتژیک هرمز که خروجی اصلی خلیج فارس است تقویت می‌شد. به همین دلیل ایران در خ‌ارک، بندرعباس، بوشهر و نزدیک‌تنگه هرمز پایگاه‌های دریایی نظامی ایجاد کرد که برای کشور هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار را در پی داشت. شاه در چاپ‌ها هم سرمایه‌گذاری می‌کند، زیرا به اعتقاد او آنجا بزرگ‌ترین پایگاهی بود که یک قدرت می‌توانست در منطقه اقیانوس هند داشته باشد. استعداد نیروی دریایی ایران در سال ۱۳۵۷ بالغ بر حدود ۲۸ هزار نفر بود.

■ **بهشت مستشاران امریکایی در ایران**

در این برهه، ارتش ایران یکی از شش ارتش برتر جهان بود و شاه می‌خواست از این هم جلوتر برود در عرض پنج سال، تبدیل به یکی از پنج ارتش برتر دنیا شود. استعداد نیروی زمینی نظامی‌های (ماگ)، قرارگاه‌های عملیاتی ارتش نظامی ۴۱۳ هزار نفر یعنی تقریباً شش برابر رسید و استعداد نیروی دریایی به سه برابر و نیروی هوایی به پنج برابر ارتقا یافت و با این استعداد نظامی تبدیل به بزرگ‌ترین نیروی نظامی منطقه خلیج فارس شد. از آنجا که استفاده از تسلیحات و تجهیزات فوق مدرن ارتش شاهنشاهی مستلزم دانش فنی سطح بالا و آموزشی فنی نیروها و اشانی بهینه با این تسلیحات بود، عده زیادی از کارشناسان فنی با تکنسین‌ها، مستشاران نظامی و فروشنده‌گان تسلیحاتی به ایران اعزام شدند. در اواسط سال ۱۳۵۵، حدود ۳۱ هزار مستشار امریکایی در ایران به سر می‌برد. این تعداد در سال ۱۳۵۷ به ۴۵ هزار تن رسید. نیروهای نظامی و تکنسین‌های امریکایی مستقر در ایران در قالب سازمان‌های گروه مشاوران همیاری نظامی (ماگ)، قرارگاه‌های عملیاتی ارتش امریکا (آر.میش)؛ نیروهای نظامی امریکا در ژاندارمری (ژانیش)، (آرمیش – ماگ و گروه‌های همیاری فنی (تافت) فعالیت می‌کردند. «ماگ» در زمینه دفاعی و سازمانی نیروهای نظامی مسلح‌شده می‌داد و در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های همیاری نظامی هم فعالیت می‌کرد. «آرمیش» در خدمت وزارت جنگ ایران بود و کارش افزایش کارآمدی و کیفیت ارتش از طریق دادن مشاوره به فرماندهان ارتش بود. «ژانیش» مستقیماً فعالیت‌های ژاندارمری، پلیس و دیگر سازمان‌های شبه نظامی ایران را کنترل می‌کرد و به وزارت کشور ایران برای حفاظت مؤثر از نظم و امنیت داخلی مشاوره می‌داد. «تافت» وظیفه ارائه دستورالعمل‌های لازم به نیرو‌های امریکایی مستقر در محل را به عهده داشت. گروه‌های همیاری فنی، تجهیزات نوین و دستورالعمل‌های مورد نیاز در این زمینه را ارائه می‌دادند. رئیس مأموران امریکا در ایران هر لحظه که اراده می‌کرد می‌توانست با شاه ملاقات کند و این نکته نشان می‌دهد حضور پررنگ نیروهای نظامی و فنی امریکایی در ایران تا چه میزان برای شاه مهم بوده است.

■ **جنگ ظفار، لشکر کشی نیابتی!**

ارتش ایران با استعداد ۴۱۳ هزار نفر در سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۵۷ و در برابر ارتش عراق و شش برابر ارتش عربستان سعودی بود و با در اختیار داشتن تسلیحات پیشرفته و پیچیده می‌توانست برای دستیابی به اهداف نظامی و سیاسی خود با کشورهای دیگر مقابله کند. در این میان به ویژه نیروی هوایی می‌توانست راه را برای رسیدن سیاستمداران به اهداف خود هموار سازد. اولین تحرک فرامرزی ایران در سال ۱۳۵۰ در ارتباط با جزایر ایرانی تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی صورت گرفت که قبل از آن در نتیجه سیاست‌های استعماری انگلیس، حاکمیت ایران بر آنها از بین رفته بود. این حرکت، گرایش جدی ایران برای ژاندارم منطقه شدن را نشان می‌دهد و زمینه‌ساز تقویت گسترده‌تر ارتش در سال‌های بعد می‌شود. این سه جزیره دارای موقعیت استراتژیک مهمی در خلیج فارس هستند، زیرا کنترت تنگه هرمز را ممکن می‌سازند. ایران به دلایل تاریخی و حقوقی، این جزایر را متعلق به خود می‌داند و جدا شدن آنها از ایران را گوشه‌ای از طرح‌های

عاریخ

کفتد کو ۸۸۴۹۸۴۳۷

روزنامه جوان | شماره ۵۸۷۲

استعماری بریتانیا تلقی می‌کند. اعزام نیروهای نظامی ایران به سلطان نشین عمان برای جنگ با نیروهای استقلال‌طلب جنبه آزادی‌بخش عمان هم حرکت دیگری در چارچوب منطق جدید ایران در زمینه سیاسی ـ نظامی بود. منطقی که ایران را در مرکز تصمیم‌گیری‌های امنیتی در مورد کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار می‌داد. نیروهای ایران در سال ۱۳۵۲ برای سرکوب شورش کشور عمان در ظفار پیاده می‌شوند. یوایی نظامی ایران در ایجاد ثبات در منطقه و اثبات اقتدار کشور بسیار مؤثر بود. در پی عملیات نظامی ایران در ظفار، رابطه ایران و عمان و همکاری‌های دو کشور بیشتر شد و براساس توافقنامه‌های کنترل و بازرسی مشترک دریایی در تنگه هرمز به عهده هر دو قرار گرفت. کشورهای حوزه خلیج فارس غیر از عراق، از تلاش روس‌ها برای نفوذ در منطقه و نیز چشمداشت عراق به مناطقی در فراسوی مرزهایشان نگران بودند و لذا وجود ایرانی قدرتمند را که بتواند در برابر این گرایشات پایداری کند، مغتنم می‌شمردند، هر چند مداخله‌های بلندپروازانه شاه ایران هم اسباب نگرانی آنها را فراهم می‌آورد. خالت نظامی ایران در ظفار، روس‌ها را بر سر دو راهی انتخاب بین کشورهای خلیج فارس و ایران با استقلال‌طلبان ظفار قرار می‌داد و طرفداری از هر یک از طرفین لاجرم به از دست دادن طرف دیگر منتهی می‌شد.

ایران با استفاده از موقعیت اقتصادی، نظامی و فضای مطلوب و مساعد بین‌المللی تبدیل به عامل ثبات در منطقه می‌شود و هر حرکت مخالفی در کشورهای منطقه که ثبات منطقه را به خطر می‌اندازد، بلافاصله به موضوع اصلی توجه رژیم شاه تبدیل می‌شود. شاه در سال ۱۳۵۳ علیه رژیم‌های خرابکار، یک سیستم امنیتی را در منطقه اعلام می‌کند. منظور از رژیم‌های خرابکار، کشورهای چون عراق، سومالی و یمن جنوبی بودند که از حمایت‌های شوروی بهره می‌بردند. ایران به عنوان یک قدرت برتر نفتی با استفاده از پول، نفت، تسلیحات و فشارهای سیاسی، مانع از پیشروی روس‌ها در منطقه می‌شود و یمن جنوبی و عمان با دخالت‌های ایران آرامش خود را باز می‌یابد و راه نفوذ اندیشه‌های انقلابی با خاستگاه مارکسیستی به روی این کشور‌ها مسدود می‌شود. ثبات و امنیت منطقه از نظر شاه به معنی ثبات و امنیت ملی و از هر موضوعی مهم‌تر بود. نفت ایران تنها از حوزه خلیج فارس صادر می‌شد و هر خطری که احتمال بسته شدن تنگه هرمز را در پی داشت و در جریان صدره شدن نفت اختلال ایجاد می‌کرد، می‌توانست اقتصاد ایران را در معرض خطر جدی قرار بدهد. به همین دلیل ایران هیچ حرکت مخالفی را در کشور‌های که با ایران مرز مشترک زمینی یا دریایی داشتند تحمل نمی‌کرد. یکی از این ناآرامی‌ها، درگیری حکومت عراق با کردهای کرد به حملات نیروهای عراقی به پایگاه‌های آنان شدت گرفت و کرد علیه دولت مر می‌کرد، جنگ کردند و می‌رفت که این منازعات تبدیل به یک جنگ داخلی تمام‌عیار در عراق شود. به خطر افتادن مرزهای غربی کشور، رژیم شاه را به حمایت تاکنیکی از کردها وادار کرد. تا به این ترتیب ادعاهای بلندپروازانه رژیم عراق کنترل و موضع عراق نسبت به ایران منطقی شود. طبیعتاً شاه برای حفظ ثبات در منطقه، از نیروی نظامی خود به عنوان عامل بازدارنده استفاده کرد.

■ **و ایران، ژاندارم امریکا در منطقه...**

در یک جمع‌بندی کلی، رژیم شاه در سایه افزایش شگمگیر درآمدهای نفتی و به روز کردن ماشین جنگی خود توانست به توسعه نظامی دست پیدا کند. پذیرش نقش ژاندارمی منطقه در چارچوب طرح‌های نوین امریکا، ناافزایش درآمدهای نفتی ممکن شد. از این مقطع بود که بودجه نظامی ایران ۵۰درصد افزایش پیدا کرد. از خرید تسلیحات از امریکا و غرب، بر تمام کشور‌های منطقه پیش‌ی گرفت. خرید‌های بیشتر از حد نیاز ارتش و اصرار بر خرید آخرین تسلیحات روز صنعتی می‌داد که هدف شاه چیزی فراتر از حفظ امنیت کشور است و او می‌خواهد آشکارا مسئولیت نظم منطقه‌ا را به عهده بگیرد. به همین دلیل هم درآمدهای ناشی از افزایش بهای نفت هم در تقویت بنیان‌های نظامی ارتش شد. شاه در این مسیر، گامی بلندتر برداشت و پیشنهاد نفت در برابر سلاح را مطرح کرد. این فرایند هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد ایران تحمیل کرد. خرید‌های نظامی رژیم شاه دو پیامد مهم برای ایران داشت: یکی اینکه ارتش ایران با فساوری نظامی امریکا رابطه را گانیک برقرار کرد و ایران به تأمین‌کننده‌گان تسلیحات خود وابسته شد. ارتش ایران اینکه یوایی لازم را داشته باشد، به ویژه در نیروی هوایی، مطلقاً به کارشناسان و تکنسین‌های خارجی وابسته بود و بدون کمک آنها کار نمی‌شد. برمنی‌آمد. این وابستگی در خدمات پشتیبانی، تأمین قطعات یدکی، آموزش و... حضور نیروهای خارجی در ایران را ناگزیر می‌ساخت. به همین دلیل هم کمیت‌ه روابط خارجی سنای امریکا در گزارش خود در مورد وضعیت نظامی ایران صراحتاً اعلام کرد بعد است ایران در پنج یا ۱۰ سال آینده بتواند بدون کمک امریکا جنگی را اداره کند. دومین پیامد هم ادغام ارتش ایران در استراتژی جهانی امریکا بود که ایران را لاجرم به ابزاری آماده و عملیاتی برای در خدمت امریکا بودن برای حفظ منافع استراتژیک آن کشور تبدیل کرده بود.